

تداوم نشانه‌ها و بقایای معماری "مهری" قفقاز در کلیساهای ارمنستان و گرجستان

شهره جوادی*

چکیده

ارامنه، آریایی و هم‌نژاد ایرانیان هستند که به جهت اعتقادی اشتراکات زیادی دارند، از جمله پرستش ایزدان مهر، اناهیتا و اهورامزدا که معمولاً در بلندی‌ها به نیایش آنان می‌پرداختند. رسم برپایی معابد برفراز کوه‌ها و تپه‌ها و تبدیل آن به کلیسا و صومعه‌های قرون اولیه مسیحی از این باورها برخاسته چنان‌که نمونه‌های آن در زیارتگاه‌های بی‌شماری بر تپه‌ها و کوه‌ها وجود دارد که پیشینهٔ آنان به گذشته‌های دور و زمان نیایش مهر و اناهیتا و زرتشت باز می‌گردد. در زمان هخامنشیان ایزدان سه‌گانه پرستیده می‌شدند ... در زمان پارتیان نیز مورد توجه دین عمومی و حتی دین رسمی بوده‌اند، اگرچه ما متونی مؤید این امر در ایران نداریم اما مدارک کتبی نسبت به وجود آن در ارمنستان به دست آمده است. میترا در ارمنستان از ایزدان بسیار محبوب و مورد علاقه و احترام فراوان بوده که معابد بسیار و برج‌مانده از مهرپرستی پس از مسیحیت در شرق ارمنستان اهمیت و حضور مهر را در این منطقه تأیید می‌کند. در زمان ساسانیان و با رونق گرفتن آیین زرتشت، میترا در ردیف یکی از ایزدان آمده، در مهریشت می‌بینیم که چگونه بی‌آنکه خبری از میترای کبیر هخامنشی و اشکانی باشد، میترا با هویتی زیباتر، با هزار گوش و هزار چشم قدم به عرصه وجود می‌گذارد. سرزمین قفقاز به خصوص ارمنستان از مناطق مهم پرستش میترا پیش از مسیحیت بوده است. بنا به نظر مشهور پژوهشگران، ارمنستان اولین جایگاه رسمی شدن مسیحیت است و قدیمی‌ترین کلیسای حکومتی جهان (سنت اچمیادزین^۱، قرن ۴ میلادی) در آنجاست. صومعه‌های قدیمی که در نقاط کوهستانی و بر بلندی بنا شده‌اند نشانه‌هایی از نیایشگاه‌های باستان را در خود دارند. آنها دارای آثار مهمی از معماری معابد میترا هستند که اگرچه تبدیل به کلیسا شده‌اند، اما نمونه‌های بسیار اصیل و بکر از تحول مهرپرستی به مسیحیت را به نمایش می‌گذارند. در میان بناهای مذهبی موجود در منطقه قفقاز طی بررسی‌های میدانی آثاری کهن از بازلیک‌ها (کلیساهای اولیه) و نیایشگاه‌های غاری جلب نظر کردند. مهرابه‌های غاری گفارد در نزدیک ایروان، پایتخت ارمنستان نشانه مهمی است که حضور قوی این آیین را در شکل ابتدایی و خالص اولین نیایشگاه‌ها و تبدیل آن به کلیسا نشان می‌دهد. فضای غاری کلیسای گفارد در دل صخره‌های عظیم از کهن‌ترین نمونه‌های کلیسا در مجاورت غار معبد است که دارای نشانه‌های مهم چشمه داخل شیبستان غاری، پنجره رو به شرق، مذبح و مهراب است. بقایای نیایشگاه باستانی اوپلیستیخه در گرجستان و مهرابه کلیسای قرن چهارم بر فراز تپه ای در همین مکان از نمونه‌های دیگری است که حضور اولیه آیین مهر و تداوم و دگردیسی آن در مسیحیت را نشان می‌دهد. این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی در سفر علمی - پژوهشی به منطقه قفقاز و تجزیه و تحلیل یافته‌ها از طریق روش تحقیق اکتشافی تنظیم شده است.

واژگان کلیدی

مهر، مسیحیت، مهرابه، کلیسا، ارمنستان، گرجستان.

*. دکتری تاریخ هنر. استادیار دانشکده هنرهای زیبا و مدیر گروه علوم و تاریخ هنر مرکز پژوهشی نظر ۶۶۹۱۵۸۲۹

Javadi1336@gmail.com

مقدمه

ارمنستان و گرجستان، که تا چندی پیش و زمان قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸م/۱۲۰۶ه. ق.) استان‌های ایران بودند، امروز پس از رهایی از کمونیسم به سوی غرب در حرکت‌اند. گویا دگرگونی در فرهنگ باستان این سرزمین تقدیر آنان بوده است. هدف این پژوهش معرفی و بررسی معماری مذهبی و آیین و باورهای مربوط به آن از گذشته‌های دور تاکنون است. مسیحیت ارتدکس دین غالب این نواحی و ارمنستان اولین سرزمینی است که مسیحیت را در سال ۳۰۱ میلادی دین رسمی اعلام کرد. می‌توان تصور کرد اولین نشانه‌های فرهنگ و هنر مسیحی شامل معماری بازیلیک‌ها و کلیساهای اولیه در این ناحیه و بر اساس باورها و آثار پیشین که برگرفته از فرهنگ و معماری میتراپی بوده، شکل گرفته باشد. گرجستان و ارمنستان در گذر زمان پذیرای اقوام اورارتویی، سلوکی، پارت و ساسانی بوده‌اند و از این رو دارای تمدن و هنری ترکیبی برگرفته از باورها و ادیان گوناگون هستند. معرفی و بررسی معماری و نشانه‌های مهری به مثابه قوی‌ترین و رایج‌ترین آیین منطقه پیش از مسیحیت و تأثیر و تداوم آن در مسیحیت ارتدکس ناحیه قفقاز در این مقاله مورد توجه بوده است.

مهرپرستی همراه با نیایش اناهیتا در زمان پارت‌ها (۲۴۸ق.م. تا ۲۲۴ م) در منطقه وسیع ایران بزرگ رایج بوده است. چنانکه از کتیبه‌ها، سکه‌ها، سنگ‌نگاره‌ها و اسناد و شواهد تاریخی، معماری و باستان‌شناسی بر می‌آید، این دین کهن آریایی در ایران باستان، هند و اروپا قرن‌ها حضور داشته و به گونه‌های متفاوت در باورهای موجود دگردیسی و تداوم یافته است. هم‌اکنون مهرابه‌های زیادی را در بنای قدیم کلیساهای منطقه اروپا و آسیا می‌توان مشاهده کرد. مهرابه عظیم سنت کلمنت در رم و کاپوا در ناپل ایتالیا از آن جمله‌اند. این سنت را در کلیساهای منطقه ارمنستان و گرجستان می‌توان با وضوح بیشتری مشاهده کرد.

فرضیه

کلیساهای و معابد صخره‌ای غاری در ارمنستان و گرجستان نشانه‌هایی از دوران مهرپرستی ایران باستان هستند. که تداوم و دگردیسی آیین مهر را در مسیحیت جلوه‌گر می‌سازند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیادی در زمینه میتراپیسم در غرب و بعضاً در مناطقی از شرق باستان انجام شده که تعدادی از آنها نیز به فارسی ترجمه شده است. اما آنچه مربوط به ارمنستان کنونی به عنوان بخشی از سرزمین ایران که در این مقاله از آنها استفاده شده شامل مقالاتی با عناوین «اهمیت غار در میتراپرستی غرب» و «صخره زاغ» از کتاب دین مهر در جهان باستان، گزارش‌های ارایه شده در دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی (ترجمه مرتضی

ثاقب‌فر). به همراه دیباچه مترجم و فصل ششم از کتاب هنرهای آسیای مرکزی تا دوره اسلامی اثر تالبوت رایس است. تاکنون در زمینه مهرابه‌های منطقه قفقاز که بخشی از سرزمین قدیم ایران بوده پژوهشی با این رویکرد که به مقایسه میتراپیسم و مسیحیت بپردازد انجام نشده است. پیشینه چنین مباحثی در مقالات نگارنده موجود است که دگردیسی آیین میتراپیسم در آیین‌های اسلامی را بررسی کرده است.^۱

ردپای "مهر" در کلیساهای و معابد ارمنستان و گرجستان

سرزمین قفقاز که در گذشته‌های دور بخشی از ایران بزرگ و جایگاه اقوام مختلف از جمله گرجی و ارمنی بوده، در نواحی ارمنستان و گرجستان کنونی با پذیرش مسیحیت، گونه‌ای از فرهنگ و هنر مسیحی را رقم زد که آمیزه‌ای از فرهنگ اورارتو، هلنی، پارت و ساسانی با نمودهای مسیحیت ارتدکس بود. از آنجا که فرهنگ و معماری میتراپی در این سرزمین رایج بود، آیین جدید (مسیحیت) بر مبنای فرهنگ پیشین شکل گرفت. اینکه کهن‌ترین کلیساهای در این سرزمین همان معابد میتراپی باشد که تغییر عملکرد داده و در دوران بعدی الگوی معماری کلیساهای شده باشند اتفاقی طبیعی شمرده می‌شود که اسناد تاریخی آن را تأیید می‌کند. از جمله "جنسن"^۲ به الگوپذیری کلیساهای اولیه از معابد شرک رومی تصریح کرده است (جنسن، ۱۳۵۹: ۱۶۹ و ۱۶۸). اگرچه "گامبریچ" معتقد است: "هنگامی که کلیسا به صورت بزرگ‌ترین قدرت در قلمرو امپراطوری رم مطرح شد، دیگر این مکان عبادی نمی‌توانست بر الگوی پرستشگاه‌های باستانی مشرکین بنا گردد بلکه به شکل تالارهای بزرگ اجتماعات ساخته شد که در ادوار کلاسیک به نام بازیلیک (تالار شاهانه) معروف بودند" (گامبریچ،^۳ ۱۳۹۰: ۱۲۱) اما اینکه ابعاد معابد بزرگ شد و عملکرد آنها تغییر کرد نه تنها نافی تأثیرپذیری آنها نیست، بلکه الگوپذیری کلیساهای از معابد میتراپی از جهت معماری، آیین‌ها، مراسم و باورها کاملاً آشکار است.

اینکه میترا در ارمنستان پیش از پذیرش مسیحیت پرستش می‌شده واقعیتهایی کاملاً تأیید شده است. پرستشگاهی در باگایاریچ، واقع در ارمنستان بالا (پکریچ امروزی در ایالت ارزروم ترکیه)، به مهر اختصاص داشت که حدود ۳۰۰ میلادی توسط تیرداد سوم و گرگوری روشنگر ویران شد (اندروبول، ۱۳۸۵ به نقل از گروسه، ۱۹۷۴: ۱۲۰-۱۱۷ و ۱۲۳). در سنت‌های ارمنیان، پس از مسیحی‌شدن نیز، میترا در روایت‌ها به جا مانده است. "مهر و شیر" نام قصه‌ای ارمنی است که در آن مهر به صورت بچه‌ای، شیر را به دو نیم می‌کند. یا در روایتی دیگر قهرمانی با نام میترا حتی در جزئیات داستان، با مهر و آیین میتراپی شباهت دارد (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵: ۳۰۳).

کهن‌ترین یاد که در جهان از تیره ارمن شده، داستان ارمنیان در شاهنامه است که زادگاه و سرزمین نخستین ایشان را در بالای

نزدیکی شهر سقز است که دارای حوضچه و آبراه است و برخی از صاحب نظران آن را به نیایشگاه "مهر" یا اناهیتا نسبت داده‌اند. از آنجا که حضور آب در نیایشگاه‌های مهر و اناهیتا ضروری و از ارکان اصلی محسوب می‌شده بنابراین می‌توان نتیجه گرفت منبع آب در این اماکن از گذشته تاکنون به شکل چشمه، چاه، حوضچه آب و سنگاب در مکان‌های مقدس وجود داشته است. امروزه در نمونه‌ای از کلیساهای اروپا و آسیا آثار مهرابه‌ها برجاست که دارای آب هستند.

از این نمونه‌ها می‌توان به حوض آب و سنگاب در شبستان و تعمیدگاه کلیسای سن‌ویتاله در راونا- ایتالیا و چاه آب کلیسای شارتر- فرانسه اشاره کرد که حاکی از آیین‌های نیایش میترا و انجام غسل عبادی مربوط به آن است (تصویر ۱).

در میان مجموعه اوپلیستیخه، بر بلندای تپه کلیسای کوچکی واقع شده که از نمونه‌های قدیمی و بکر کلیساست که الگوی ساده و ابتدایی آن تقلید از معابد میترای منطقه را گواهی می‌کند؛ احتمالاً این مکان مهرابه‌ای بوده که به کلیسا تبدیل شده، زیرا مهراب رو به شرق آن با پنجره‌ای که در زیر سقف قرار دارد نور را به فضای مهراب و شبستان کوچک مربع شکل آن می‌تاباند. در طرفین مهراب و گرداگرد اضلاع شبستان سکوهایی برای گرد هم نشستن وجود دارد، ورودی این کلیسا (معبد) راهرویی است با سقف گهواره‌ای که منتهی به اتاق چهار گوش (شبستان) شده که ضلع شمالی آن به اتاق مستطیل شکلی می‌پیوندد که این الگو (دو اتاق تودرتو و راهرو با سقف گهواره‌ای) شباهت بسیار به چارتاقی‌های ایران دارد (تصویر ۲)، نمونه‌های این شیوه را در شماری از زیارتگاه‌های ایران از جمله چارتاقی بی بی شهربانو (شهر ری) و مسجد جامع نراق مشاهده می‌کنیم که از نیایشگاه‌های کهن پیش از زرتشت بوده‌اند و بعداً به آتشکده و سپس به اماکن مقدس اسلامی همچون مسجد، امامزاده، مزار پیران و بزرگان تبدیل شده‌اند؛ اینها در مناطق مسیحی نشین مستقیماً به کلیسا تبدیل شدند که به دلیل عملکرد مشابه از نظر آیین و مناسک و فقدان جهت قبله، احتیاجی به تغییر زیاد نداشته‌اند.

معماری ویژه بازلیک‌های کهن (در گرجستان و ارمنستان) و کلیساهایی که در دوران جدید به همان شیوه بنا شده مؤید این دگردیسی از آیین مهر به مسیحیت است. "در اروپا نیز مهرابه (mithraum) های غاری متروک شده و مسیحیان پیروز کلیسای خود را بیشتر روی مهرکده‌های مقدس بنا می‌کردند. پژوهشگران در رم توانستند بسیاری از غارهای میترای را زیر کلیساهای مسیحی بازبند" (مرکلباخ، ۱۳۸۷: ۲۹۱).

ب. منطقه کوهستانی "گگارد" در نزدیکی شهر ایروان در ارمنستان در دل صخره‌های عظیم و باشکوه خود مجموعه‌ای از غارمعبدهای اسرارآمیز میترای را جای داده است. در دامنه کوه و در جوار کلیساهای غاری بر بقایای نیایشگاه‌های پیشین کلیسای عظیمی بنا شده که دارای دو شبستان تودرتو در طبقه هم کف و

خراسان و نزدیک مرز توران می‌داند (جنیدی، ۱۳۹۰: ۹) ارمنستان از زمان امپراتوری ماد تحت نفوذ ایرانیان قرار گرفت. این نفوذ از دیدگاه دینی، تا زمان مسیحی شدن کشور به دست «گریگوری روشنگر» در نیمه قرن سوم ادامه داشت. آرامنه و ایرانیان هر دو از نژاد آریایی بودند که به جهت نزدیکی جغرافیایی در زمینه‌های گوناگون همچون ادیان و عقاید نکات مشترکی داشته و یا بر هم تأثیرگذار بودند؛ پرستش ایزدان سه‌گانه اهورامزدا، میترا و اناهیتا بین آنان رایج بوده است (مکی، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۰).

ایرانیان باستان همواره در بلندی‌ها به عبادت و راز و نیاز با خالق می‌پرداختند و این عبادت سنتی، دعا و سرودخوانی به درگاه اهورامزدا و دیگر ایزدان بوده است (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۳۴۴). بسیاری از آتشکده‌ها و معابد پیش از آن در ایران و ارمنستان بر بلندی‌ها قرار دارند که تاکنون آثار آن برجاست.

ایرانیان هنگام تصمیم‌گیری درباره مسایل قانونی، در آتشکده به "مهر" سوگند می‌خورند و از این رو گاه به آتشکده "دار مهر" یا در مهر می‌گفتند (دادگاه در آتشکده‌ها) که در آنجا عدالت اجرا می‌شد. این سنت ادامه یافت و در بازلیک‌ها که بناهای شهری و حکومتی رم باستان بودند نیز دادگاه تشکیل می‌شد، و این سنت تا دوران مسیحیت ادامه یافت و این بناها به کلیسا تبدیل شد یا اولین کلیساها بر مبنای آنها ساخته شد.

معماری نیایشگاه‌های "مهری"

بنا به نظر مشهور پژوهشگران، ارمنستان اولین جایگاه رسمی شدن مسیحیت است و قدیمی‌ترین کلیسای حکومتی جهان (سنت اچمیادزین^۴، قرن ۴ میلادی) در آنجاست. صومعه‌های قدیمی که در نقاط کوهستانی و بر بلندی بنا شده‌اند نشانه‌هایی از نیایشگاه‌های باستان را در خود دارند. آنها دارای آثار مهمی از معماری معابد میترای هستند که اگرچه تبدیل به کلیسا شده‌اند، اما نمونه‌های بسیار اصیل و بکر از تحول مهرپرستی به مسیحیت را به نمایش می‌گذارند. در میان بناهای مذهبی موجود در منطقه قفقاز طی بررسی‌های میدانی آثاری کهن از بازلیک‌ها (کلیساهای اولیه) و نیایشگاه‌های غاری جلب نظر کردند که ضمن معرفی اجمالی تأثیرگذاری آنها بر معماری و آیین مسیحیت بررسی می‌شود.

نشانه‌های مهری در معابد و کلیساها

الف. مجموعه معابد صخره‌ای اوپلیستیخه^۵ (معبد خدایان) شامل غار معبدهایی با معماری متنوع که برخی دارای ورودی رفیع، نمای قوسی و ستون و تزئین سنتوری و بعضی دارای اتاق یا تالاری با سقف مسطح تزئین شده و تاقچه‌هایی بر دیوارها جهت قرار دادن شمع و آتشدان است. کف اتاق‌ها حوضچه و آبراه منشعب از آن دیده می‌شود که این الگو قابل مقایسه با غار معبد‌های صخره‌ای "گگارد" در نزدیکی ایروان است که هنوز چشمه آب آن می‌جوشد. این اندام شبیه یکی از تالارهای غار کرفتو در استان کردستان

و کلیساهای صدر مسیحیت همین گونه بوده است: یعنی صحن اصلی مستطیل شکل است با پنجره‌ای که زیر سقف و از سمت شرق و بالای مه‌راب نور می‌گیرد، مقابل مه‌راب، مذبح و طرفین این فضا سکوهایی برای نشستن وجود دارد. ورودی‌ها ابتدا در طرفین شاه‌نشین و مه‌راب و انتهای شرقی قرار داشته که بعداً به نقطه مقابل و جهت غربی منتقل شده است (جنسن، ۱۳۵۹: ۱۶۵) در طبقه هم‌کف و در مجاورت شبستان ورودی کلیسا، تالار نسبتاً بزرگی وجود دارد که چشمه آبی در آن می‌جوشد (تصویر ۳) و در

تالارهایی در طبقه اول است. امروز بخش اصلی و فعال کلیسا طبقه هم‌کف است که با ورودی از سمت غرب به تالارهای عظیم و ستون‌دار می‌رسد که از پنجره سمت شرق نور می‌گیرد و از گوشه سمت مقابل پلکانی به طبقه بالا می‌رود. بر دیوارهای مقابل و طرفین ورودی شبستان خصوصی، مه‌راب‌هایی تزئینی بر دیوار جای گرفته‌اند. انتهای شبستان خصوصی که محل عبادت و اجرای مراسم جمعی است، شاه‌نشین و مه‌راب روی سکو و با ارتفاع بالاتر از کف در جهت شرق واقع شده‌اند. الگوی معابد مه‌ری و بازلیک‌ها



تصویر ۱-۱. حوض آب، شبستان کلیسای سن ویتاله، راونای ایتالیا. عکس: محمد آتشین‌بار، ۱۳۸۶.

1-1. Trough in the nave of San Vitale cathedral, Ravenna, Italy.
Photo: M. Atashinbar, 2007.



تصویر ۱-۲. چاه آب، تعمیدگاه کلیسای شارتر-فرانسه. عکس: محمد آتشین‌بار، ۱۳۸۶.

1-2. Trough in the baptistry at San Vitale cathedral, Ravenna, Italy.
Photo: M. Atashinbar, 2007.



تصویر ۱-۳ و ۱-۴. سنگاب‌ها در تعمیدگاه کلیسای سن ویتاله، راونای ایتالیا. عکس: محمد آتشین‌بار، ۱۳۸۶.

1-3, 1-4. Water wells in Chaters cathedral, France. Photo: M. Atashinbar, 2007.



تصویر ۲. زیارتگاه بی بی شهربانو، شهر ری. مأخذ: آرشیو مرکز پژوهشی نظر.

Fig. 2. Bibi Shahr Banu Shrine, Shahr-e Ray. Source: Nazar Research Center Archives



تصویر ۳. چشمه آب در شبستان غاری و جوی منشعب از آن. کلیسای گفارد-ارمنستان. عکس: منصورى، ۱۳۹۲.

Fig. 3. Water fountain in the cavern-like yard and a stream derives from it. Photo: Mansouri, 2013.

داخل غار دیده می‌شود تغییر عملکرد و جایگزینی معابد مهری را به دیرهای آرامنه و دگردیسی آیینی به آیین دیگر را آشکارا نشان می‌دهند (تصویر ۵).

غارهای کوچکی که بر بلندای صخره‌های مشرف بر کلیسای اصلی قرار گرفته شامل اتاقکی است با ورودی و سقف کوتاه، مهرابی کوچک بر سکو و بالاتر از کف، پنجره‌ای در کنار یا بالای مهراب که نور شرق را به مهراب و فضای داخلی می‌تاباند. یکی از این مهراب‌ها مزین به رنگ‌های آبی، طلایی، سفید و سرخ ارغوانی است. طبیعی است که این رنگ‌آمیزی برگرفته از بقایای رنگ‌های پیشین بوده چنانکه امروز در برخی از مهرابه‌های اروپایی و سردابه (cripte) کلیساها این رنگ‌ها و تزیینات مشاهده می‌شود.

در مهراب رنگین غار معبد گنارد سقف هلالی مهراب کنایه از گنبد آسمان^۶ به رنگ لاجوردی است (در جهان‌بینی "میترا"یی نجوم و ستاره‌شناسی جایگاه مهمی دارد).

از این رو در نمادهای آیین مهر نقش آسمان و صورت‌های فلکی آشکارا به چشم می‌خورد؛ (تصویر ۶)؛ در اکثر مهرابه‌های اروپا و آسیا نقوشی از خورشید، ماه، ستارگان و بعضاً نشانه‌های دوازده‌گانه فلکی آنها مانند شیر، گاو، عقرب، ترازو، خرچنگ و غیره دیده می‌شود. این رنگ‌های نمادین که برگرفته از باورهای مهری است به مسیحیت نیز وارد شده چنان‌که رنگ سرخ آتشدان یا مذبح جلوی مهراب گنارد بعدها به میز پایه بلندی تبدیل شده که پارچه سرخ بر آن دیده می‌شود (تصاویر ۷ و ۸).

جوی باریکی که از وسط تالار می‌گذرد روان است. در دو طرف چشمه مهراب‌های عظیمی بر سکو قرار گرفته‌اند با تاقچه‌هایی که در آن شمع روشن است چند شبستان غاری و بزرگ دیگر در اطراف این مجموعه دیده می‌شود که فضاهای تاریک و اسرارآمیز آن و نقوشی که بر در و دیوار آنها نقش بسته نشان از باورهای پیش از مسیحیت دارد. اما نقش انواع صلیب و سایر نشانه‌های مسیحی از الحاقات دوران مسیحیت و تبدیل این غار معبدها به کلیسا حکایت می‌کند. برخی نقش برجسته‌ها و نشانه‌های مذکور شبیه به عناصر نمادین و تزیینی دوران قاجار است که در معماری و سایر هنرهای ایران معمول بوده که خود یادگارهایی از باورهای پیش از اسلام و حتی پیش از زرتشت است (تصویر ۴).

از آنجا که منطقه قفقاز بخشی از سرزمین ایران بوده تشابهات فرهنگی و هنری میان ایران و سرزمین‌های قدیم آن، چون ارمنستان و گرجستان وجود دارد.

معابد صخره‌ای غاری که گرداگرد کلیسای اصلی گنارد را فرا گرفته‌اند مکان‌هایی کوچک، مخفی و صعب‌العبور در دل صخره‌های بلند هستند که به نظر می‌رسد جایگاه عبادت، تزکیه و ریاضت مهرپرستان و سپس راهبان مسیحی بوده است. نقش‌هایی نمادین مربوط به باورهای میترای و مسیحی بر پیشانی صخره‌ها و اطراف ورودی غار معبدها دیده می‌شود که شامل نقش صلیب، خورشید، پرند، شیر و کتیبه‌های ارمنی است. این علائم و صلیب‌هایی که



تصویر ۴. نقش شیر، گاو، عقاب و قوچ - پرند با سر انسان شبیه به عناصر ترکیبی دوره قاجار - نقش‌های هندسی چلیپا، خورشید و انسان. عکس: منصور، ۱۳۹۲.

Fig. 4. Epigraph of lion, cow, eagle and wether. A Bird with human head similar to the synthetic elements of the Qajar period. Geometric patterns of cross, sun and human. Photo: Mansouri, 2013.



تصویر ۵. کتیبه‌های ارمنی-نقش‌های صلیب، شیر، عقاب، خورشید و ستاره نقش‌های نمادین در آیین مهر و مسیحیت- پیروزی شیر بر گاو، نماد غلبه تابستان بر زمستان. عکس: احسان دیزانی، ۱۳۹۲.

Fig. 5. Armenian inscriptions. The figures of cross, lion, eagle, sun and stars as symbolic figures in the Mithraism and Christianity. The victory of lion on cow as a symbol of triumph of summer over the winter. Photo: Ehsan Dizani, 2013.



سرخ نماد خون و حیات و کنایه از خون مقدس گاو است که به دست میترا قربانی شده و عامل باروری و حیات در آفرینش (انسان، حیوان و گیاه) و هم‌چنین کنایه از سرخی خورشید بوده است. در مسیحیت شراب سرخ کنایه از خون مسیح (ع) است. رنگ سرخ ارغوانی و آبی لاجوردی در مهرابه‌های اروپا برای شنل مهر به کار رفته و گاه شلوار میترا به رنگ سرخ است (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵ : ۳۲۸ و ۹۵). رنگ سفید نماد کمال متعالی، نور، پاکی، تقدس، نجات و اقتدار معنوی است، سفید رنگ عشق و زندگی و هم رنگ مرگ و تدفین است (کوپر، ۱۳۷۹ : ۱۶۹). در شماری از مهرابه‌های اروپا شنل مهر به رنگ قرمز ارغوانی

تصویر ۶. مهراب رنگین در غار معبد صخره‌ای، گنارد-ارمنستان. عکس: منصور، ۱۳۹۲.

Fig. 6. A colorful Mithraeum within the cave of cavern-like temple. Photo: Mansouri, 2013.



تصویر ۸. آتشدان یا مذبح که در مهراب کلیسا تبدیل به میز و جایگاه مقام مذهبی شده است. صومعه حق‌پات، ارمنستان. عکس: منصور، ۱۳۹۲.
 Fig. 8. Mehrib hearth or altar in the church was converted into a table and place of religious authority. Hqpat stern silo, Armenia. Photo: Mansouri, 2013.



است و به سقف مهراب رنگ آبی با نقش خورشید، ماه و ستارگان و علایم صور فلکی به رنگ‌های سفید و طلایی نقش بسته‌اند (تصویر ۹). همین رنگ‌ها بعداً در لباس روحانیون مسیحی و تزیینات معماری کلیساها وارد شده‌اند (تصاویر ۱۰ تا ۱۲). از طرفی دیگر این رنگ‌ها در عرفان میتراپی، زرتشتی، مسیحی و اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند.

تصویر ۷. آتشدان یا مذبح، مهراب گفارد، ارمنستان.
 عکس: منصور، ۱۳۹۲.

Fig. 7. Hearth or altar, Mehrib Gghard, Armenia. Photo: Mansouri, 2013.



تصویر ۱۰. کلاغ تکه گوشت قربانی را روی مذبح روشن می گذارد.
 مأخذ: مرکلیاخ، ۱۳۸۷: ۴۱۸.
 Fig.10. A crow puts a piece of sacrificial meat on the altar. Source: Merkel Bach, 2008: 418.



تصویر ۹. نقش ماه و ستاره بر شنل لاجوردی مهر. مأخذ: ورمازرن، ۱۳۸۳: ۷۹.

Fig. 9. The figures of the moon and star over the blue cape of Mithra.
 Source: Vermazeren, 2004: 79.



تصویر ۱۲. نقش ستارگان و نمادهای ماه و خورشید به شکل انسانی (نیم تنه) بر گنبد آسمان.
 مهرباب اسکویلین، نزدیک کلیسای سن لوچیا در سلسی. واتیکان موزه چپارامونتی. مأخذ:
 ثاقبفر، ۱۳۸۷: ۳۸۴.

Fig. 12. The figures of stars, moon, sun and the human profiles (coat) on the dome of the sky. Aesculin, near Saint Lucia Church in Selsey, Vatican, Chiamonti Museum. Source: Saqebfar, 2008: 384



تصویر ۱۱. مهرباب سنت کلمنت، رم. تندیس میترا داخل مهرباب و آتشدان با نقش مهر در حال قربانی گاو مقابل مهرباب. مأخذ: Boyle . : 65 :1989
 Fig. 11. Mithraeum of St. Clement, Rome. The front side and side surfaces of the Mithraeum are white. A high base table before the Mithraeum (which has been interpreted as a firebox in some European Mithraea. There are some pictures about this matter. Side columns are red. Golden arch roof. Source: Boyle, 1989: 65.

نتیجه‌گیری

با تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی در سرزمین قفقاز و بازدید از اماکن مذهبی کشورهای ارمنستان و گرجستان، تداوم فرهنگ و معماری میتراپی در معماری مسیحی آشکار می‌شود. کهن‌ترین و اصیل‌ترین نمونه‌های معابد مهری در گرجستان مجموعه اپلیستیخه و در ارمنستان مجموعه گفارد است که یادگارهای با ارزش از دوران مهرپرستی در ایران باستان را جلوه‌گر ساخته‌اند. از آنجا که این دو سرزمین و بخصوص ارمنستان اولین مکان پذیرش آیین مسیحیت است و قدیمی‌ترین کلیسای حکومتی جهان در آن ساخته شده طبیعی است که معماری، فرهنگ و آیین پیشین بدون واسطه به آیین جدید منتقل شده باشد. غار معبدها، بازلیک‌های اولیه و کلیساهای غاری بر فراز کوه و دیر- کلیساهای عظیم که در دوران جدیدتر بنا شده‌اند، نمونه‌هایی از تداوم هنر و معماری مهرپرستان در معماری مسیحی این سرزمین است که به صورت الگوی رایج هنر مسیحیت ارتدوکس شناخته می‌شود. معماری اینها بر پایه الگوی نیایشگاه‌های مهری است که نمونه‌های آشکاری از تداوم تزیینات، نقوش، عناصر نمادین، آداب و رسوم و ساخت فضا در معماری مسیحی را که از آیین مهر وام گرفته شده، به نمایش می‌گذارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجله منظر شماره‌های صفر، ۵ و ۶ مجله باغ‌نظر شماره‌های ۶، ۸ و ۲۶، مجله هنر و تمدن شرق شماره ۱.
۲. کلیساهای صدر مسیحیت از معماری امپراطوران دوران شرک وام گرفته بود. یعنی صحن مستطیل شکل کلیسا که دو جناح یا راهروی باریک در دو جانبش قرار دارد بوسیله ردیف پنجره ای تعبیه شده در دیواره زیر سقف روشنی می‌گیرد و شاه‌نشین نماینده شکل پشت مذبح و سقف چوبین که همه عناصر تشکیل دهنده بناهای مسیحی اولیه هستند. ساختمان بازلیکا متعلق به دوران بت پرستی یعنی قبل از ظهور دین مسیح، در واقع سرمشق مناسب و بی‌مانندی بود برای معماری کلیساهای کنستانتینی (جنسن، ۱۳۵۹: ۱۶۸).
۳. بنا بر آنچه جنسن و گامبریچ در تاریخ هنر راجع به الگو پذیری کلیساهای اولیه در امپراطوری روم نوشته‌اند اینگونه نتیجه‌گیری می‌شود: بنای کلیساهای ارتدوکس قفقاز (ارمنستان و گرجستان) با کلیساهای کاتولیک اروپا تفاوت‌هایی دارند، که در غرب امپراطوری با الگوی بازلیک‌ها (معماری یا فضاهای شاهانه، دادگاه‌ها و بناهای عمومی شهری) شکل گرفتند و در کلیساهای قفقاز مستقیماً از معماری مهرابه‌های بومی منطقه تاثیر پذیرفتند.
۴. نام قدیمی اچمیادزین واغارشایات (ولاش آباد) از شهرهای مقدس ارمنستان است که محل زندگی جاثلیق (رهبر ارشد کلیساهای کل ارامنه) است. «پیروان حضرت مسیح از ترس مخالفان و حکام وقت، مسیحیت را به مدت بیش از دو قرن در خفا حفظ و تبلیغ کردند، تا در سال ۳۰۱ م به همت گریگور لوساوربیچ مسیحیت به عنوان دین رسمی ارمنیان اعلام شد. دو سال بعد گریگور اولین کلیسای ارمنیان را در شهر اچمیادزین، نزدیک شهر ایروان، بنا کرد که آن را می‌توان اولین کلیسای رسمی جهان مسیحیت نامید. از نظر شیوه معماری، کلیساهای اولیه ارمنیان شکل تغییر یافته معابد پیش از مسیحیت را داشتند که طی قرون بعدی تکامل یافتند و دارای سبک‌های معماری مختلفی شدند. گنبد که یکی از قسمت‌های مهم ساختمان کلیسا است اولین بار در قرن چهارم میلادی مورد استفاده قرار گرفت» (هوسپیان، ۱۳۸۳).
۵. از uphlistsikhe در برخی از منابع به عنوان سکونتگاه هم یاد شده که قدمت این مجموعه را به دوسه قرن پیش از میلاد و دوره هلنی می‌رساند و وجود معابد مهری در این‌جا یاد شده است. هم‌چنین اولین مرکز سیاسی - مذهبی مسیحیان کارتلی منبع ...
۶. گفارد Geghard به معنای سرنیزه حضرت مسیح (ع) است که روایت شده مدتی در کلیسای گفارد نگهداری شده است. تصویر سرنیزه
۷. در بسیاری از مهرابه‌های اروپایی سقف مهراب به شکل گنبد آسمان با نقش سیارات و صور فلکی به رنگ‌های لاجوری، طلایی و سفید تزیین شده است که تداوم این سنت در مهراب کلیساها نیز قابل مشاهده است.

فهرست منابع

- اسماعیل پور، ابوالقاسم. ۱۳۷۷، *اسطوره بیان نمادین*. تهران: سروش.
- اولانسی، دیوید. ۱۳۸۰، *پژوهشی نو در میترا پرستی*. ت: مریم امینی. تهران: نشر چشمه.
- بویل، جان اندرو. ۱۳۸۵. *صخره زاغ؛ یک غار مهری در فولکلور ارمنی*. مجموعه گزارش‌های دومین کنگره مهرشناسی. ت: مرتضی ثاقب‌فر. تهران: توس.
- ثاقب‌فر، مرتضی. ۱۳۸۵. *دین مهر در جهان باستان*. مجموعه گزارش‌های دومین کنگره مهرشناسی. تهران: نشر توس.
- جنسن، ه. و. جنسن، دوراجین. ۱۳۵۹. *تاریخ هنر*. ت: پرویز مرزبان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- جنیدی، فریدون. ۱۳۸۹. *شاهنامه فردوسی، بیژن و منیژه*. تهران: نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور.
- جواد، شهره. ۱۳۸۶. *اماکن مقدس در ارتباط با آب، کوه و درخت*. فصلنامه باغ نظر، ۴ (۸): ۲۲-۱۲.
- رایس، تامارا تالوت. ۱۳۷۲. *هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی*. ت: رقیه بهزادی. تهران: تهران.

- کوپر، جی. سی. ۱۳۸۰. فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ت: ملیحه کرباسیان. تهران: نشر فرشاد.
- گامبریج، ارنست. ۱۳۹۰. تاریخ هنر، چاپ هفتم ت: علی رامین. تهران: نشر نی.
- مرکلباخ، راینهولد. ۱۳۸۷. میترا آیین و تاریخ. ت: توفیق گلی‌زاده. تهران: نشر اختران.
- مکی، مریم. ۱۳۹۰. بررسی تطبیقی ایزدان سه گانه در ایران و ارمنستان در دوران باستان. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۷ (۲۲): ۲۰۱-۱۷۰.
- ورمازرن، مارتین. ۱۳۸۳. آیین میترا. ت: بزرگ نادرزاد. تهران: نشر چشمه.
- ویدن گرن، گئو. ۱۳۷۷. دین‌های ایرانی. ت: منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- هوسپیان، شاهین. ۱۳۸۳. نگاهی مختصر به تاریخ کلیساهای ارمنیان در ایران. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۸ (۲۷): ۶۹-۵۲.

Reference list

- Boyle, J. A. (2006). Raven Rock, a Mithra cave in Armenian folklore. *Conference proceeding Etudes mithriaques: actes du 2e congres international*. Teheran, du ler au 8 septembre 1975 Congres international detudes mithriaques 2nd. Tehran: Toos.
- Boyle, O. P, L. (1989). *St. Clement, Rome*. Rome: Imprime Parkina Italia.
- Cooper, J. C. (2001). *An illustrated encyclopaedia of traditional symbols*. Translated to Persian by karbasian, M. Tehran: Farshad.
- Esmailpour, A. (1998). *Ostoore, Bayan- e namadin* [Myths: The Symbolic Expressions]. Tehran: Soroush.
- Gambridg, E. (2011). *History of Art*. Translated to Persian by Ramin, A. Tehran: nei.
- Hovsepian, Sh. (2004). Negahi mokhtasar be tarikh- e klisaha- ye Armanian dar Iran [A brief look at the history of Armenian churches in Iran]. *Faslname Peyman*, 8(27): 52-69.
- Janson, H.W. (1980). *History of art*. Translated to Persian by Marzban, P. Tehran: Sazman entesharat va amuzesh enghelab eslami.
- Javadi, Sh. (2007). Shrines & nature (water, tree , mountain). *Bagh- e Nazar*, 4 (8): 12-22.
- Joneydi, F. (2010). *Shahnameh*. Tehran: Balkh.
- Makki, M. (2011). Barrei- ye tatbighi- ye izadan- e segane dar iran va armanestan dar doran- bastan [Comparative analysis of three gods in ancient Iran and Armenia]. *Faslname adabiat- e erfani va ostoore shenakhti*, 7 (22): 170-201.
- Merkelbach, R. (2008). *Mithras*. Translated to Persian by Golizadeh, T. Tehran: Akhtaran.
- Rice, T. T. (1993). *Ancient arts of Central Asia*. Tehran: Tehran.
- Saghebfar, M. (1975). *Conference proceeding Etudes mithriaques: actes du 2e congres international*. Teheran, du ler au 8 septembre 1975 Congres international detudes mithriaques 2nd. Tehran: Toos.
- Ulansey, D. (2001). *The origins of the Mithraic mysteries*. Translated by Amini, M. Tehran: Cheshme.
- Vermaseren, M. J. (2004). *Mithra Ce Dieu mysterieux*. Translated to persian by Naderzad, B. Tehran: Cheshme.
- Widengren, Geo. (1974). *Lesreligions de L'Iran*. Translated to persian by Farhang, M. Tehran: Agahan ideh.

The Continuity of Caucasus "Mithra" architecture's signs and remnants in the churches of Armenia and Georgia

Shohreh Javadi*

Abstract

Armenia was under the influence of Iran during the reign of Median Empire. Regarding the religious point of view, this influence continued until "Gregory, the Illuminator" turned it a Christian country in the middle of third century. Armenians and Persians were of the Aryan race. Furthermore and due to geographical proximity, they had a variety of common points in terms of religious beliefs and creeds. Accordingly, they had left impact on each other. Ancient Iranians were always accustomed to worship God on the high places. As such, they were known for their traditional worship, prayer and hymnody before Ahura Mazda and other deities (Mithra and Anahita). At the time of the Achaemenid Empire, the triple deities were worshiped thereof.... At the time of the Parthian, these deities had also been regarded within the framework of general as well as the official religion. Although we do not have any valid and reliable text on this in Iran, some written texts in Armenia confirm this issue. Mithra had been one of the most popular and respected deities in Armenia. Similarly, there are many temples and remnants of post-Christianity Mithraism in the eastern parts of Armenia that indicate the importance and presence of Mithra in these areas. Mithra was considered as a goddess during the Sassanian and Zoroastrianism. As can be seen in Mihr Yasht ("hymn to Mithra"), while there is no sign of Achaemenid and Parthian great Mithras, She has a beautiful appearance with a thousand eyes and a thousand ears. The land of the Caucasus, especially Armenia, had been considered among the most important places in which Mithra was worshipped before Christianity. According to renowned researchers, Armenia had been the first place in which Christianity became an official religion. Actually, the oldest state church in the world (St. Etchmiadzin, third and fourth centuries AD) is placed in Armenia. The old monasteries built in the mountains and on the heights are signs of the ancient temples. They have great works of Mithra temples architecture that have converted into churches. However, they can be considered as some authentic and original examples of the evolution of Mithraism to Christianity. Regarding the current religious monuments in the Caucasus as well as field studies conducted on this issue, there are some ancient works of basilica (early churches) and cave temples. Geghard cavern-like Mithraeum near Yerevan, the capital of Armenia, are important signs pointing to the strong presence of this religion in the form of early pure and primary temples and forming the churches thereof. The cavern-like space of Geghard Church within the massive rocks forms one of the most ancient examples of churches that have been placed in the vicinity of the temples. The church has important signs of a fountain in the cavern-like yard, a window facing East, altar and sanctuary. The ruins of Uplistsikhe ancient temple in Georgia and Mithraeum of the Church of the fourth century located on a hill at the same place can be considered as two other examples of the primary presence of Mithraism as well as its continuance and conversion into Christianity. This article has been based on library studies and conclusions drawn from field studies through a scientific-research expedition to the Caucasus as well as a set of analyses conducted via an exploratory research methodology.

Keywords

Mithra, Christianity, Mithraeum, Church, Armenia, Georgia.

*. Ph. D. in Art history. Assistan Professor, University of Tehran. Faculty member of Nazar Research Center. Javadi1336@gmail.com